

سنجش بررسی رابطه دین‌داری و سبک زندگی (مطالعه موردی زنان ۲۰ ساله و بیش‌تر ساکن شهر تهران)

محمدتقی کرمی‌قهی*، زینب زادسر**

چکیده: در این مقاله به‌وسیله «پرسشنامه» به بررسی موضوع سبک زندگی و عوامل مؤثر بر آن - نظیر دین‌داری افراد- پرداخته‌ایم. جمعیت آماری، شامل زنان ۲۰ سال به بالای ساکن تهران است و حجم نمونه به‌وسیله نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۳۶۱ نفر تعیین شد. اساس نظری تحقیق بر نظریه کنش و بر استوار است. بر اساس مدل گلاک و استارک، برای سنجش دین‌داری چهار بعد، اعتقادی، عاطفی، پیامدی و مناسکی در نظر گرفته شد. هم‌چنین سبک زندگی افراد با سه شاخص مدیریت بدن، روابط بین شخصی و هنجارهای مصرف سنجیده شد. تحلیل رگرسیون نشان داد از میان متغیرهای مستقل تحقیق -مانند دین‌داری و سن- که وجود رابطه آن‌ها با متغیر وابسته در حد ضعیف تأیید شد، بیش‌ترین میزان همبستگی میان دین‌داری و سبک زندگی ($r=162$) وجود دارد. هم‌چنین فرضیه‌های رابطه میان سبک زندگی زنان، مدیریت بدن، هنجارهای مصرف اثبات شد. مهم‌ترین دستاورد پژوهش حاضر به ارتباط میان دین‌داری و سبک زندگی افراد مربوط می‌شود. با کم‌رنگ شدن اقتدار نهادهای سنتی دینی و رواج انتخاب‌گری فردی در حوزه دین و ترکیبی شدن اصول فکری و عقیدتی، سخنگویان دین، دیگر تنها عامل اثرگذار بر واکنش افراد نسبت به مسائل مختلف اجتماعی، تصمیم‌گیری‌ها و نظرات نیستند. بر مبنای نتایج، بیش‌ترین تبیین‌کنندگی دین، در حوزه هنجارهای مصرف ($r = 247$) بود که به نوبه خود رقم قابل توجهی نیست. هم‌چنین، می‌توان نتیجه را بر مبنای ظهور انواع دین‌داری تبیین نمود، پیدایش اشکال بسیار متنوع و فردی دین‌داری از عرصه‌هایی است که بی‌شکلی دوران مدرن را بازتاب می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: دین‌داری، سبک زندگی، مصرف، مدیریت بدن، روابط بین شخصی.

مقدمه و طرح مسأله

سبک زندگی با انتخابی شدن زندگی روزمره معنا می‌یابد، بدین ترتیب که برخلاف جوامع سنتی، در جامعه معاصر به واسطه اهمیت یافتن خود و مسئولیت شخصی و ظهور جامعه مصرفی در زندگی، قدرت انتخاب نیز بیش‌تر شده است. سبک‌های زندگی بازنمودی از جستجوی هویت و انتخاب فردی است. بر پایه همین واقعیت است که مفهوم سبک زندگی راهی برای تعریف ایستارها، ارزش‌ها و هم‌چنین نشانگر ثروت و موقعیت اجتماعی افراد است.

نشانه‌های فراوانی از وقوع تغییرات فرهنگی در جوامع و از جمله، جامعه ما خبر می‌دهد. نوع معماری، نحوه پوشش، ظهور مشاغل جدید، تنوع رسانه‌ها و افزایش جمعیت شهرنشین از جمله این نشانه‌هاست. در منظری جامعه‌شناختی، کاهش نظارت‌های اجتماعی چهره به چهره، تنوع خاستگاه‌های منطقه‌ای و قومیتی، کاهش وابستگی‌های انتسابی فرهنگی، خانوادگی و مکانی، امکان‌های گسترده‌تر دسترسی به فرهنگ‌های متنوع، دلزدگی و بی‌قراری انسان کلان‌شهری و نیاز وی به نظام‌ها و ساز و کارهای تسلی بخش و... از جمله عوامل گسترش تنوع فرهنگی و سبک زندگی در کلان شهر است [۸، ص ۶].

در جامعه مدرن، علاوه بر عامل «موقعیت فرد در نظام تولید» که در مفهوم طبقه متبلور می‌شود عامل مهم و تبیین‌کننده دیگری به نام «موقعیت فرد در نظام مصرف»، مبنای اصلی هویت اجتماعی فرد است. مصرف در مقایسه با تولید و ساختارهای اجتماعی ناشی از تولید، دامنه بسیار فراخ‌تری دارد، زیرا مصرف، همه افراد غیر شاغل را نیز شامل می‌شود، مانند جوانان، بی‌کاران، پیران و به‌ویژه زنان را که در اقتصادهای مدرن، به طور معمول از آن‌ها انتظار نمی‌رود که به‌لحاظ اقتصادی، مولد باشند. فرهنگ مصرفی، مردم را ترغیب می‌کند که بیش از نیازهای زیستی خود مصرف کنند. در این فرهنگ، اصل بر آن است که معنا و مفهوم زندگی اجتماعی باید بر آنچه شخص دارد، استوار باشد. متأثر از چنین فرهنگی... مرز میان مصرف برای تأمین نیازهای زیستی و مصرف به‌منزله «سبک زندگی» فرو می‌ریزد [۱۵، ص ۱۹۱].

تنوع در سبک زندگی هرچند برای جامعه‌ای که به تداوم برخی عناصر ثابت در حیات اجتماعی خود گرایش دارد، می‌تواند عاملی نگران‌کننده باشد، اما ناامید کننده نیست؛ چرا که تنها یک نوع مدرن شدن یعنی مدرنیته غربی وجود ندارد، بلکه بسته به این‌که نوگرایی و نوسازی در کدام زمینه فرهنگی قرار گیرد و با کدام سنت‌ها ترکیب شود، نو شدن‌های گوناگونی پدید می‌آید که در آن‌ها

ترکیبی از عناصر سنتی و مدرن وجود دارد. سنت‌هایی که به نحوی بازاندیشانه، حفظ و تکریم می‌شوند و البته بخش مهمی از این سنت‌ها، سنت‌های مذهبی است [۵، صص ۱۵۲ و ۱۵۱].

اهمیت پژوهش

با گسترش مطالعات سبک زندگی، اطلاعات دقیق‌تری را می‌توان راجع به گروه‌های اجتماعی به دست آورد. زنان از جمله گروه‌های اجتماعی مهم محسوب می‌گردند. زنان به‌ویژه با توجه به نقش مادری در خانواده و سایر نقش‌های جنسیتی، یکی از اصلی‌ترین عناصر فرآیند هویت‌یابی و جامعه‌پذیری فرزندان و نسل آینده جامعه هستند و بر هویت نسل‌های آتی جامعه مؤثرند. ضرورت رصد تحولات در سبک زندگی از این منظر نیز قابل توضیح است که چه بسا به دلیل اثرپذیری زنان از ارزش‌ها و نگرش‌ها و الگوهای رفتاری بیگانه و ناسازگار با هویت دینی و ملی جامعه ایرانی، روندی را شاهد باشیم که پیوند منطقی نسل‌ها و انسجام هویتی جامعه را تهدید و مخدوش سازد. «دین» نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع شکل دهنده جامعه ایرانی مطرح است. مطالعه این که به‌طور کلی، آموزه‌های دینی تا چه حد با سبک زندگی در ارتباط بوده و چه اثری بر آن دارد و این که تأثیر آن در کدام موارد بیشتر است، و می‌تواند فتح باب مناسبی برای بررسی‌های دیگر در رابطه با ابعاد مختلف سنخ‌های زندگی ایرانیان باشد. با این پیش فرض که آموزه‌های دینی فرد را به نوع خاصی از زندگی ترغیب می‌کند، لاجرم برای برنامه‌ریزی و آینده‌نگری در جامعه، نیازمند شناخت نوع و جهت این آموزه‌ها می‌باشیم تا با شناسایی و محقق ساختن آن‌ها، جامعه مسیری متناسب با آن را در پیش بگیرد. بدین لحاظ، روشن نمودن رابطه دین‌داری افراد با سبک زندگی آن‌ها در شرایط فعلی جامعه اهمیت وافر دارد.

هم‌چنین از آن‌جا که اثرگذاری فرهنگی بر جامعه زنان، صرفاً از طریق پرداختن صوری و سطحی به ارزش‌ها در سطح نهادهای رسمی نیست، برنامه‌ریزی فرهنگی نیز نیازمند شناخت محیط عمل انسان است. انسان‌ها به سبب برخورداری از توان ذهنی، ارزش‌ها و نگرش‌های خود، اقدام به تفسیر برنامه‌ها می‌کنند و واکنش نشان می‌دهند [۱۱، ص ۲۷]. بنابراین پیش شرط هرگونه برنامه‌ریزی فرهنگی، شناخت جامعه مورد نظر، جهت پیش‌بینی تفاسیر و واکنش‌های احتمالی است. از سوی دیگر، روندهای تحولات فرهنگی کشور - جدا از آن‌که این تحولات تا چه حد گسترده یا محدود و یا مثبت و منفی شمرده می‌شود - نشان از تحولات در حوزه زنان و خانواده دارد که نباید از اهمیت تحولات فرهنگی در سبک زندگی غافل شد. این واقعیت را باید در نظر داشت که زن ایرانی از تجربه‌ها و اهداف و خواسته‌های متفاوتی با زنان دیگر برخوردار است. طبیعی است که پابندی به ارزش‌های ریشه‌دار در هویت ایرانی

مانند دین و خانواده، خودبه‌خود چهارچوبی برای سبک‌های زندگی فراهم سازد به گونه‌ای که هم‌زمان با تحول و تنوع و پویایی، ثبات را نیز در سبک زندگی زنان تضمین نماید.

ملاحظات نظری

این مطالعه از رویکرد نظری وبر^۱ بهره جسته است. براساس نظریه کنش وبر، دنیای اجتماعی را باید از زاویه افکار مردم، به‌خصوص هنجارها و ارزش‌ها مشاهده نمود. بر مبنای این ایده تأثیرات باورها و عقاید دینی افراد بر حوزه‌ای از دنیای اجتماعی، یعنی سبک زندگی، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. وبر، نقش نظام فرهنگی و ارزش‌ها و هنجارهای مورد تأکید این نظام را بر کنش‌های افراد، مهم و اساسی ارزیابی می‌کند. از دیدگاه وی، انتخاب‌های افراد در جامعه و به تبع آن کنش‌های آنان، متأثر از معنای ذهنی است که افراد تحت تأثیر فرهنگ برای کنش‌های خود قائلند.

«بر اساس مدل وبر تعامل تمایلات و منابع، کنش یا به تعبیری انتخاب‌های فرد یا جمع را پدید می‌آورد که به الگو یا مجموعه حاصل از آن، سبک زندگی می‌گوییم. به بیانی مشروح‌تر، تمایلات فرد یا جمع، جهت کنش را تعیین و منبع در دسترس – که در پیوند با عوامل ساختاری، فرصت‌های زندگی فرد یا جمع را پدید می‌آورند – بستر بروز کنش را فراهم می‌کنند» [۱۳، ص ۲۱۹].

مبنتی بر این رویکرد، وبر سعی می‌کند خصوصیات رفتاری و شرایط بومی هر مردمی را با توجه به آموزه‌های دینی ایشان تبیین نماید. وبر این توانایی بالقوه را در دین می‌بیند که بتواند بر رفتار مردم و شیوه تفکر ایشان اثرگذار و معتقد است که «ایده‌ها، نیروهای مؤثر در تاریخ هستند» [۱۷، ص ۱۲]. البته وبر دین را تنها عامل مؤثر بر شرایط اجتماعی و رفتاری نمی‌داند؛ بلکه در کنار دین، عامل‌های دیگر اجتماعی را نیز دخیل می‌داند. به عنوان مثال، او به وجود رابطه‌ای دوطرفه (متقابل) بین عوامل اقتصادی و فرهنگی باور داشت. رهاورد مهم رویکرد وبر، امکان درک تأثیر ارزش‌ها و باورها بر رفتار بشری است. نظریه کنش وبر، بررسی تأثیر دین‌داری (التزام به باورها و عقاید دینی و به موجب آن اعمال دینی) بر سبک زندگی (اعمال و کنش‌های روزمره افراد) را معنادار و ممکن می‌سازد. می‌توان دیدگاه وی را این‌گونه بیان کرد که بشر بر مبنای شیوه تفکر خود، جامعه خود را می‌سازد و دین از مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل‌دهنده شیوه تفکر است.

هم‌چنین در این تحقیق، به‌منظور تبیین مفهوم و ابعاد سبک زندگی، با توجه به جامعیت و کاربردی بودن مفهوم سازی بوردیو^۲، در این زمینه، از دیدگاه‌های او استفاده می‌کنیم. البته لازم به ذکر است که

^۱ .M. Weber

ما به دنبال تلفیق نظری نبوده و تنها در مفهوم‌سازی، انتخاب گویه‌ها و مفاهیم به آثار بوردیو نظر داریم.

بوردیو، خانواده را به عنوان عامل اصلی و مؤثر در شکل‌گیری ارزش‌ها و نگرش‌ها و سرمایه اقتصادی و فرهنگی افراد قلمداد می‌کند. وضعیت تحصیلی و شغل پدر و حتی پدربزرگ خانواده، در سرمایه فرهنگی و اجتماعی فرزندان اثر دارد.

در ایران، پژوهشگران زیادی با توجه به نظریه بوردیو و تحقیق تجربی وی - با محدود ساختن کانون توجه خود به بعضی از ابعاد سبک زندگی - به تحقیق و پژوهش پرداخته‌اند. ما نیز به تبعیت از بوردیو و با توجه به زمینه اجتماعی تحقیق خود، شاخص‌هایی را که به حوزه کنش عینی و بیرونی افراد مرتبط و در ارتباط با زندگی زنان معنادارترند، انتخاب می‌کنیم که شامل ۳ بُعد؛ مدیریت بدن، رفتار مصرف و روابط بین شخصی می‌باشد.

از منظر بوردیو، فرهنگ به‌طور عمیقی در دوران اولیه زندگی افراد درونی می‌شود و پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین، نقش اساسی در چگونگی فرایند جامعه‌پذیری و کیفیت عناصری که در جریان آن در شخصیت فرد درونی می‌شود، بازی می‌کند [۲، ص ۲۴۵]. در این پژوهش، به‌منظور سنجش پایگاه اقتصادی-اجتماعی فرد (شغل و تحصیلات پدر، مادر و همسر فرد)، به‌عنوان متغیر زمینه‌ای در کنار متغیرهای سن و وضعیت تأهل، مورد سنجش قرار می‌گیرد.

هم‌چنین، جهت سنجش متغیر دین‌داری از مدل گلاک و استارک که دین را به صورت چند بعدی مورد بررسی قرار داده‌اند بهره خواهیم برد. این مدل، قبلاً توسط سراج زاده بر مبنای داده‌های ایرانی، بومی گشته و با استفاده مکرر پژوهش‌گران، اعتبار و پایایی آن تأیید شده است.

فرضیات تحقیق

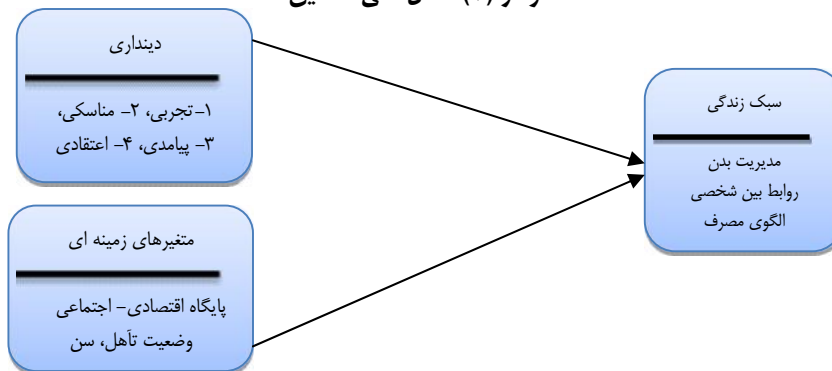
بر اساس ملاحظات نظری تحقیق، فرضیات اصلی و فرعی این پژوهش به قرار زیر است:

- بین میزان دین‌داری و سبک زندگی زنان (مدیریت بدن، هنجارهای مصرف، روابط بین شخصی) رابطه وجود دارد. به این معنا که هر چه افراد دین‌دارتر باشند، سبک زندگی آنان سنتی‌تر خواهد بود.
- میان ویژگی‌های جمعیت‌شناختی فرد (سن، وضعیت تأهل و پایگاه اقتصادی-اجتماعی) و سبک زندگی او رابطه وجود دارد. به این معنا که افراد جوان‌تر، سبک زندگی مدرن‌تری خواهند

² . P. Bourdieu

داشت. همچنین افراد مجرد سبک زندگی مدرن‌تری نسبت به افراد متأهل دارند و افراد دارای پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتر، سبک زندگی مدرن‌تری دارند.

نمودار (۱): مدل علی تحقیق



روش تحقیق

تحقیق حاضر با استفاده از روش پیمایش^۳ انجام شده است. جامعه آماری تحقیق، شامل زنان مسلمان ۲۰ ساله و بیش‌تر ساکن شهر تهران است. انتخاب این طیف سنی، بدین جهت بوده که در این سن، شخصیت فرد در سطح قابل قبولی شکل گرفته است و اعمال دینی به صورت مستقل و آگاهانه انجام می‌شود. با توجه به جامعه آماری تحقیق، از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است.

براساس فرمول کوکران، حجم جامعه ۳۸۴ نفر برآورد گردید که بعد از اجرای پیشگیری، تعداد ۲۳ عدد از آن‌ها به دلیل نقص در پاسخ‌گویی افراد، حذف شدند و در نهایت، تعداد ۳۶۱ پرسشنامه برای تحلیل در نظر گرفته شد.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها:

دین‌داری: متغیر مستقل دین‌داری^۴، مجموعه‌ای از اعتقادات و اعمال فردی و جمعی است که به یک حقیقت متعالی (خدا) مرتبط است [۹، ص ۱۳۶].
طبق مدل گلاک و استارک، ابعاد اصلی دین‌داری عبارتند از: اعتقادی، مناسکی، تجربی، آگاهی و پیامدی.

^۳.Survey

^۴.Religiosity

بُعد اعتقادی: منظور از این بُعد، محتوای نظری دین است، باورهایی که انتظار می‌رود پیروان یک دین بدان اعتقاد داشته باشند. در این بُعد هم‌چنین، درجه توافق فرد با اعتقادات و باورهای اصلی موجود در دین مورد سنجش قرار می‌گیرد. مانند: اعتقاد به خدا، قرآن، معاد و اعتقاد به رعایت بعضی از اعمال دینی مانند نمازهای روزانه، روزه داری، جهاد و... [۷، ص ۱۶۷].

بُعد تجربی^۵: این بُعد شامل احساسات و تأثراتی است که یک سوژه (فرد) در رابطه خود با خداوند تجربه می‌کند. مواردی مثل؛ ترس از خدا، توبه و تقرب به خدا و ... [همان].

بُعد پیامدی^۶: این بُعد به بررسی افکار و اعمالی می‌پردازد که فرد به واسطه اعتقادات و تجربیات دینی‌اش، خود را ملزم به رعایت آن‌ها می‌داند، مانند؛ حجاب، پرهیز از مصرف خوراکی‌های خاص و... [همان].

بُعد مناسکی^۷: منظور از این بُعد، انجام اعمال فردی واجب دینی و هم‌چنین حضور فرد در برنامه‌ها و فعالیت‌های رسمی و جمعی نهاد دین است، مانند؛ نمازهای یومیه و روزه، خواندن قرآن، شرکت در نمازهای جماعت و جمعه، شرکت در مراسم جشن و عزا در مسجد و ... [همان].

سبک زندگی: (متغیر وابسته)^۷، براساس دیدگاه بوردیو، سبک زندگی مجموعه‌ای از طرز

تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتاری و سلیقه‌های افراد است [۱، ص ۳۲].

در این پژوهش، مبتنی بر بررسی تجربی بوردیو و یا پژوهشگرانی که بر اساس تئوری وی به بررسی‌های تجربی مبادرت ورزیده‌اند و با توجه به زمینه اجتماعی تحقیق خود، شاخص‌هایی را که به حوزه کنش عینی و بیرونی افراد مرتبط و در ارتباط با زندگی زنان معنا دارترند، انتخاب می‌کنیم که شامل ۳ بُعد؛ مدیریت بدن، هنجارهای مصرف و روابط بین شخصی است.

مدیریت بدن: مدیریت بدن به معنای نظارت و مراقبت و دست‌کاری مستمر ویژگی‌های ظاهری و مرئی بدن است [۳، ص ۸۸]. در این پژوهش، از سه شاخص کلی آرایش بدن (صورت)، جراحی‌های زیبایی و رویه‌های لاغری و تناسب اندام، برای عملیاتی کردن شاخص مدیریت بدن استفاده شده است.

روابط بین شخصی: منظور از این بُعد، نحوه سازمان دادن به روابط خود با دیگران؛ هم در

خانواده و هم در اجتماع بیرون از خانواده است. در این پژوهش، از دو مؤلفه برای سنجش روابط بین شخصی استفاده شد؛ مؤلفه اول به روابط شخصی افراد در خانواده در رابطه با همکاری پدر و یا همسر

⁵.Experimental

⁶.Consequential

⁷.Dependent variable

در کارهای خانه مربوط می‌شود و در مؤلفه دوم، روابط فرد با محیط و اطرافیان مورد سنجش قرار گرفته است.

هنجارهای مصرف: هنجارهای مصرف، معیارها و موازینی هستند که فرد بر مبنای آن‌ها، در زمینه مصرف کالاها و زمان و مکان آن، دست به انتخاب و تصمیم‌گیری می‌زند. اگر انتخاب‌های مصرفی فرد بر اساس مجموعه واحدی از ارزش‌ها صورت پذیرد، طبعاً می‌توان انتظار داشت که نوعی انسجام و سازگاری بین این انتخاب‌ها وجود داشته است. برای عملیاتی کردن مفهوم هنجارهای مصرف، از معرف‌های انتخاب پوشاک و اولویت‌های هزینه‌ای - غیراز مایحتاج - سود جسته‌ایم [۳، ص ۸۷].

متغیرهای زمینه‌ای:

پایگاه اقتصادی - اجتماعی: SES^۸ عبارتست از جایگاه سلسله مراتبی افراد با توجه به قدرت اقتصادی و منزلت اجتماعی آن‌ها که به کمک ۳ معرف؛ درآمد، تحصیلات و منزلت شغلی سنجیده می‌شود. در این پژوهش، ما متغیرهای سن و وضعیت تأهل نیز در کنار این سه معرف به صورت سؤالات باز و بسته مورد سنجش قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

نتایج توصیفی:

ویژگی‌های جمعیت شناختی:

- از مجموع ۳۶۹ نفر زنان بالای ۲۰ سال نمونه تحقیق، حدود ۷۱ درصد در دوره جوانی یعنی سنین بین ۲۰ تا ۲۹ سال و بیش از ۲۵ درصد تا ۵۰ سال سن داشتند.

- ۴۷.۳۷ درصد افراد، متأهل و ۵۲.۶۳ درصد، مجرد بوده‌اند.

- ۰.۲۷ درصد افراد در سطح ابتدایی، ۳.۸ درصد در سطح سیکل، ۲۲.۸ درصد در سطح دیپلم ۱۳.۳ درصد از پاسخگویان دارای مدرک فوق دیپلم و ۴۴ درصد در سطح لیسانس و ۱۰.۸ درصد فوق لیسانس و ۲.۱۷ درصد افراد نیز دارای مدرک دکتری بوده‌اند. در واقع ۹۳ درصد آنان دیپلم و بالاتر بوده‌اند. همچنین، سطح سواد ۶۲ درصد از پدران، ۵۴ درصد از مادران و ۴۲ درصد از همسران پاسخگویان، دیپلم و بالاتر بوده است.

^۸ Socio-Economic Status

- ۱۴.۸ درصد افراد در رتبه‌های شغلی ۱، ۲ و ۳ (بالا)، ۲۵.۶ درصد افراد در رتبه‌های شغلی ۴، ۵ و ۶ (متوسط)، و ۰.۵ درصد نیز در رتبه ۷ (پایین) قرار دارند. رتبه شغلی هیچ‌کدام از افراد، در رتبه‌های ۸ و ۹ قرار نمی‌گرفت. هم‌چنین اکثریت پدران پاسخگویان (۹۱ درصد) و اکثریت همسران پاسخگویان (۳۶ درصد) در رتبه‌های شغلی متوسط و اکثریت مادران پاسخگویان (۳۷ درصد) در رتبه‌های شغلی پایین قرار داشتند.

- ۹.۲ درصد افراد از پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین، ۳۵.۴ درصد آنان در سطح متوسط و ۱۴.۹ درصد آنان از پایگاه بالایی برخوردارند. بنابراین، بیش‌تر افراد در پایگاه اقتصادی-اجتماعی متوسطی قرار داشتند.

سبک زندگی: نتایج حاصل از آن به شرح زیر است:

روابط بین شخصی: از کل پاسخگویان، ۱۸.۶ درصد دارای سطح پایینی از هنجارهای مصرف هزینه-غیراز مایحتاج- هستند، ۷۲.۴ درصد در سطح متوسط و ۸.۹ درصد نیز در سطح بالایی از روابط بین شخصی می‌باشند.

مدیریت بدن: از کل پاسخگویان، ۲.۷ درصد دارای مدیریت بدن پایینی هستند، مدیریت بدن ۵۴.۹ درصد از ایشان متوسط است و ۴۲.۴ درصد نیز دارای سطح بالایی از مدیریت بدن می‌باشند.

هنجارهای مصرف: از کل پاسخگویان، ۹.۹ درصد در سطح پایینی از هنجارهای مصرف، ۶۰.۳ درصد از ایشان در سطح متوسط و ۲۹.۹ درصد نیز دارای سطح بالایی از هنجارهای مصرف می‌باشند. سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی به‌عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته شدند تا عوامل مستقیم اثرگذار بر سبک زندگی زنان از سایر عوامل تفکیک و مشخص شود.

دین‌داری: نتایج حاصل از پاسخگویی به گویه‌های تحقیق به شرح زیر است:

به‌طور کلی، میانگین دین‌داری پاسخگویان ۳.۵۴ است که بالاتر از نقطه وسط (۵۰) بوده و زیاد محسوب می‌شود و از میان پاسخگویان، ۵.۹ درصد دارای دین‌داری پایینی هستند. دین‌داری ۴۳ درصد از ایشان متوسط است و ۵۰.۳ درصد نیز دارای سطح دین‌داری بالایی می‌باشند.

نتیجه بررسی ابعاد مختلف دین‌داری حاکی از آن است که بُعد اعتقادی با میانگین ۴.۲۷ درصد بالاترین میانگین را در میان ابعاد مختلف دین‌داری جوانان مورد مطالعه داشته است و بُعد مناسکی با میانگین ۲.۸ کم‌ترین میانگین این ابعاد را از آن خود کرده است. این نتیجه، مؤید نتایج تحقیقات قبلی [۶ صص ۱۱۸-۱۰۵] در این خصوص است و بار دیگر این نتیجه را اثبات می‌نماید که دین‌داری در

جامعه ما در ابعاد اعتقادی و تجربی (۷۹/۱۶) بسیار فریه‌تر از بعد مناسکی است و به بیان دیگر، دین‌داری پاسخگویان در اعتقاد به اصول دین و همچنین تجربه احساسات دینی، نمود بیش‌تری داشته و البته این اعتقادات، تعداد کمی از ایشان را وادار به انجام واجبات و مناسک فردی یا جمعی دینی می‌نماید.

تحلیل روابط میان متغیرها:

مطابق جدول شماره ۱، بین مدیریت بدن زنان و دین‌داری آنان رابطه وجود دارد. ($r=187$)

جدول شماره (۱): توزیع فراوانی مدیریت بدن بر حسب دین‌داری در میان پاسخ‌گویان

مدیریت بدن / دین‌داری	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	جمع کل
خیلی زیاد	۰	۷.۱	۷۸.۶	۰	۱۴.۳	۱۰۰٪
زیاد	۳.۴	۲۷.۶	۴۸.۳	۰	۲۰.۷	۱۰۰٪
متوسط	۳	۳۰.۳	۵۰	۳.۸	۱۲.۹	۱۰۰٪
کم	۸.۴	۳۷	۳۸.۳	۱.۹	۱۴.۳	۱۰۰٪
خیلی کم	۱۵.۴	۵۳.۸	۲۰.۵	۲.۶	۷.۷	۱۰۰٪
$R = .179 \quad D = - / 187 \quad sig = .000$						

شدت همبستگی d سامرز ($r=187$)، نشان می‌دهد که رابطه ضعیف و منفی بین این دو متغیر وجود دارد.

در تقسیم بندی سبک زندگی به دو گرایش و شیوه سنتی و مدرن، کسانی را که دست به انتخاب عناصر مختلف سبک زندگی - که ناشی از زندگی مدرن است - زده‌اند، جزو گرایش مدرن و شیوه سنتی را شامل افرادی می‌دانیم که به دلیل عدم گزینش عناصر مدرن سبک زندگی، نمره پایین‌تری کسب کرده‌اند. مطابق داده‌ها، با افزایش دین‌داری، کنترل و مدیریت بدن افراد به سمت مدل سنتی رفته و کم‌تر می‌شود. برای مثال، در دین‌داری خیلی زیاد و زیاد، میزان کنترل بر بدن در رده‌های خیلی زیاد ۰ و در زیاد تنها ۳.۴۵ است، در حالی که در دین‌داری‌های کم و خیلی کم، این میزان به حدود ۹ و ۱۵ درصد افزایش می‌یابد. این میزان در سایر مقادیر دین‌داری نیز صادق است.

بر مبنای نتایج در زمینه مدیریت بدن، آرایش صورت جزو اولین اولویت‌ها قرار داشت. با توجه به این که آموزه‌های دینی در مواردی مخالف نمونه‌هایی از مدیریت بدن است، می‌توان این‌گونه توضیح

داد که بر مبنای نتایج، دین‌داری افراد در ابعاد اعتقادی و تجربی - یعنی بعد ایدئولوژیک و عاطفی دین‌داری - فربه‌تر از ابعاد مناسکی و پیامدی - یعنی بعد عملی و اجتهادی - دین است. نکته دیگر این است که فردی شدن، ویژگی نوظهور سبک زندگی در جامعه در حال گذار ما است. در این زمینه، برخی معتقدند، هم اکنون افراد در مواجهه با بحران‌های هویتی که پیش روی آنان قرار دارد، پاسخ‌های فردی - هرچند متأثر از ارزش‌ها و هنجارهای جمعی - به شرایط و موقعیتی‌ها می‌دهند. این در حالی است که در گذشته بیش‌تر بر خرده فرهنگ‌هایی تأکید می‌شد که افراد به‌وسیله آن، هویت اجتماعی خود را تقویت و اثبات می‌کردند (از جمله خرده فرهنگ‌های دینی). این مطلب منعکس‌کننده تغییر در رابطه فرد و اجتماع پیرامون خود است [۴]. در بسیاری از عرصه‌های فرهنگی، ماقبل جدید، نمای ظاهری فرد، بیش از آن‌که نشان‌دهنده هویت شخصی او باشد، بیانگر هویت اجتماعی او بود [۱۲].

با رشد هویت فردی، میل به شکل‌دادن بدن به‌صورت دلخواه فرد و متناسب با ارزش‌های مدرن فردگرایی رشد خواهد کرد. فردگرایی نیز یکی از شاخص‌های مهم رشد مدرنیته است. در نتایج به‌دست آمده نیز زنانی که دین‌داری پایین‌تری داشتند و در واقع از منبع فرهنگ‌ساز و هنجارین دینی کم‌تر بهره برده بودند، بیش‌تر به سبک زندگی مدرن پایبندی نشان دادند. به‌نظر می‌رسد در جامعه سنتی ما، زنان نیز در حال هم‌گام شدن با مدرنیته باشند. لازم به ذکر است که مراد از فردگرایی، اهمیت‌یافتن خواسته‌های فردی در برابر ارزش‌ها و ساختارهای کلی جمعی تاریخی است. مطابق جدول شماره ۲: بین هنجارهای مصرف زنان و دین‌داری آنان رابطه منفی وجود دارد.

جدول شماره (۲): توزیع فراوانی مصرف زنان بر حسب دین‌داری در میان پاسخگویان

مصرف زنان دین‌داری	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	جمع کل
خیلی زیاد	۷.۱	۷.۱	۷۱.۴	۱۴.۳	۰	۱۰۰٪
زیاد	۶.۹	۱۰.۳	۵۵.۲	۱۳.۸	۱۳.۸	۱۰۰٪
متوسط	۳	۱۲.۱	۶۰.۶	۱۸.۹	۵.۳	۱۰۰٪
کم	۵.۸	۳۱.۸	۴۴.۸	۱۳	۴.۵	۱۰۰٪
خیلی کم	۱۰.۳	۵۱.۳	۳۵.۹	۲۶	۰	۱۰۰٪
$R = /۲۳۵$ $D = /247$ $sig = /000$						

شدت همبستگی d سامرز ($r=247$) نشان می‌دهد که رابطه ضعیف و منفی بین این دو متغیر وجود دارد. میزان این رگرسیون نشان می‌دهد که این شاخص سبک زندگی افراد، تنها ۲۳.۵٪ تحت تأثیر دین‌داری‌شان قرار دارد.

در این معنا، با افزایش دین‌داری افراد، رفتار مصرف آنان کاهش یافته و شکلی سنتی‌تر (زاهدانه‌تر و قناعت‌جویانه) پیدا می‌کند. در این زمینه، شاهد آن هستیم که گرایش‌ها و کنش‌های زنان مطابق با گزاره‌ها و آموزه‌های دینی است. که افراد را به قناعت و صرفه‌جویی و مصرف صحیح ترغیب می‌کند. طبق جدول شماره ۳: بین روابط بین شخصی زنان و دین‌داری آنان رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۳): توزیع فراوانی روابط بین شخصی بر حسب دین‌داری در میان پاسخگویان

روابط بین شخصی دین‌داری	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	جمع کل
خیلی زیاد	۷.۱	۲۸.۶	۵۷.۱	۷.۱	۰	۱۰۰٪
زیاد	۳.۴	۲۴.۱	۴۸.۳	۱۳.۸	۱۰.۳	۱۰۰٪
متوسط	۳	۲۸	۵۳	۹.۸	۶.۱	۱۰۰٪
کم	۶.۵	۳۱.۸	۴۱.۶	۱۱	۹.۱	۱۰۰٪
خیلی کم	۱۰.۳	۳۰.۸	۴۳.۶	۵.۱	۱۰.۳	۱۰۰٪
$D= /048 \text{ sig}= /285$						

سطح معناداری d سامرز $\text{sig}= /285$ نشان می‌دهد که هیچ‌گونه رابطه‌ای بین دین‌داری و روابط بین شخصی زنان وجود ندارد.

با توجه به این که نظام جامع دینی، در همه زمینه‌های زندگی دارای دستورالعمل است، به نظر می‌رسد، دلیل مشاهده عدم رابطه دین‌داری و روابط شخصی در این زمینه، این باشد که هنجارها و ارزش‌های دینی که به صورت عمومی از طرف نهاد دین تبلیغ و ترویج می‌شود، فرد را به سمت گرایش یا عدم گرایش به نوع خاصی از روابط با دیگران هدایت نمی‌کند و موضع منفعلی در این خصوص اتخاذ نموده است. در این راستا می‌توان به رویکرد وبر در خصوص روحیه سرمایه‌داری و رابطه آن با اخلاق نوین پروتستانی اشاره نمود.^۹ این نکته که تا پیش از دوران جدید، نهادهای دینی این نوع نگرش به کار را تشویق و تبلیغ نمی‌کردند و از زمانی

۹. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر.ک. به: وبر، مارکس (۱۳۸۵). اختلاف پروتستانی و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

به بعد تبلیغ کردند نشان‌دهنده این است که نهاد دین با تأکید بر یک رفتار یا گرایش فکری، آن را برای مردم مهم و ارزشمند می‌کند. به نظر می‌رسد در ایران نهادهای دیگری مانند صدا و سیما، جامعه هنری، ورزشی و... تأثیر پنهان اما بیش‌تری نسبت به این حوزه داشته باشند.

بر مبنای جدول شماره ۴: وجود رابطه بین سبک زندگی و میزان دین‌داری افراد تأیید گردید.

جدول شماره (۴): توزیع فراوانی سبک زندگی بر حسب دین‌داری در میان پاسخگویان

سبک زندگی / دین‌داری	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	جمع کل
خیلی زیاد	۷.۱	۱۴.۳	۶۴.۳	۷.۱	۷.۱	۱۰۰٪
زیاد	۳.۴	۱۰.۳	۳۷.۹	۲۷.۶	۲۰.۷	۱۰۰٪
متوسط	۲.۳	۱۵.۹	۳۹.۴	۱۷.۴	۲۵	۱۰۰٪
کم	۵.۸	۲۴.۷	۳۳.۸	۱۴.۳	۲۱.۴	۱۰۰٪
خیلی کم	۱۷.۹	۳۳.۳	۳۵.۹	۰	۱۲.۸	۱۰۰٪
$R = /۱۴.۷ D = - /162 sig = /000$						

شدت همبستگی d سامرز ($r = /162$) نشان می‌دهد که رابطه ضعیف و منفی بین این دو متغیر وجود دارد. میزان رگرسیون نشان می‌دهد که سبک زندگی افراد تنها ۱۴.۷٪ تحت تأثیر دین‌داری شان افراد قرار دارد و بقیه به عوامل دیگر مربوط می‌شود.

همان‌طور که داده‌های جدول نشان می‌دهد، هر چه بر میزان دین‌داری افراد افزوده می‌شود، سبک‌های زندگی مدرن کم‌تر شده و شیوه زندگی افراد به سمت سبک‌های سنتی‌تر حرکت می‌کند. در همین راستا، در میزان دین‌داری خیلی زیاد، سبک زندگی مدرن، ۷٪ است در حالی که میزان آن در افراد کم‌تر دین‌دار به بیش از ۱۷٪ می‌رسد.

شاهدیم که با افزایش دین‌داری زنان، سبک زندگی آنان به سمت شیوه سنتی‌تر متمایل می‌شود و کسانی که دین‌داری پایین‌تری دارند، سبک زندگی‌شان مدرن‌تر است. در این میان، دین‌داری، قوی‌ترین رابطه منفی را با بعد هنجارهای مصرف داشته است.

به عبارت دیگر، گرچه دین به عنوان نهاد فرهنگی اثرگذار، الگوهای فرهنگی جامعه را تعیین و جهت‌دهی نموده و این الگوها به کنش‌های افراد، ساخت می‌دهند (یعنی انتخابگری ایشان را به سمت یک حوزه سوق داده و از حوزه دیگر باز می‌دارند) اما، در واقع هر کنش، مستلزم یک انتخاب و یک امتناع است و نکته مهم این‌جاست که این الگوهای فرهنگی، فرد را به انتخاب چه حوزه‌ای و در کدامین حوزه ترغیب می‌نمایند. در این‌جا رابطه معکوس، نشان‌دهنده آن است که افرادی که در کنش-

های خود بیش تر تحت تأثیر گزاره‌ها، معانی و دستورالعمل‌های دینی هستند، چه بسا در ابعاد مختلف، سبک زندگی‌ای مدرن (گاهی مغایر با ارزش‌های دینی) داشته باشند.

بین وضعیت تأهل و سبک زندگی زنان رابطه وجود ندارد.

مطابق نتایج به دست آمده، سطح معناداری d سامرز $\text{sig} = /۴۰۱$ نشان داد که هیچ‌گونه رابطه معناداری بین سبک زندگی و وضعیت تأهل افراد وجود ندارد اما رابطه معناداری بین سن و سبک زندگی وجود دارد.

شدت همبستگی d سامرز ($r=139$) نشان داد که رابطه ضعیف و مثبتی بین این دو متغیر وجود دارد. میزان رگرسیون نیز نشان داد که سبک زندگی افراد تنها ۱۸.۷% تحت تأثیر سن آنان قرار دارد. هر چه سن افراد افزایش می‌یابد سبک‌های زندگی آنان به سمت سبک‌های سنتی‌تر پیش می‌رود. برای مثال در سنین جوانی، سبک‌های زندگی سنتی، تنها ۳% از افراد را در بر می‌گیرد، در حالی که این میزان برای افراد مسن بیش از ۴۰% است.

بین طبقه اقتصادی (پایگاه اقتصادی-اجتماعی) و سبک زندگی رابطه وجود ندارد. (سطح معناداری d سامرز $\text{sig} = /۹۰۷$)

لازم به ذکر است، گرچه درآمد افراد مهم‌ترین شاخص پایگاه اقتصادی-اجتماعی آنان است، اما به دلیل آن که تقریباً اکثر افراد به گزینه مربوط به سنجش درآمد در پرسشنامه پاسخ نداده‌اند، به ناچار پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد را بدون در نظر گرفتن درآمد آنان سنجیده‌ایم.

رگرسیون چند متغیره:

برای بررسی میزان و سهم تأثیر هر یک از متغیرها برای پیش‌بینی وضعیت سبک زندگی پاسخگویان در اینجا از رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. از آنجا که در تحلیل‌های رگرسیونی، تنها متغیرهایی مورد محاسبه قرار می‌گیرند که رابطه همبستگی آنان تأیید شده باشد، لذا در این باره دو متغیر دین‌داری و سن افراد، انتخاب شدند تا میزان تأثیر آنان برای پیش‌بینی وضعیت سبک زندگی افراد، مورد محاسبه قرار گیرد.

جدول شماره (۵): رگرسیون چند متغیره

الگو	ضریب بتا	میزان تی	Sig
دائمی		۹.۹۳	/۰۰۰
دین‌داری	/۱۴۸	-۲/۹	/۰۰۴
سن	/۱۸	-۳/۴۶	/۰۰۱

در این جدول، مقدار t همه ضرایب رگرسیون، محاسبه و سطح معنی‌داری آن‌ها نیز ارائه شده است. همان‌طور که مقدار سطح معناداری نشان می‌دهد، اثرات دو متغیر سن و دین‌داری، معنی‌دار شده است که البته تأثیر بسیار ضعیفی در پیشگویی متغیر وابسته دارند. اما، در مورد اهمیت و نقش متغیرهای مستقل در پیشگویی معادله رگرسیون، از مقادیر بتا استفاده شده است. از آن‌جا که مقادیر بتا استاندارد شده است، بنابراین از طریق آن می‌توان در مورد اهمیت نسبی متغیرها قضاوت کرد. میزان بتا برای دین‌داری حدود $1/15$ است و برای سن نیز $1/18$ است.

جمع‌بندی

در نهایت میان دین‌داری و سبک زندگی رابطه بسیار ضعیف و معکوس دیده شد. بر مبنای تحقیقات پیشین صورت گرفته در حوزه دین‌داری در جامعه ایران، با در هم آمیختگی شدید ارزش‌های دینی و مدرن، قدرت تأثیر نهاد دین به حوزه‌های خاص و فردی محدود شده و مخصوصاً با کم‌رنگ شدن اقتدار نهادهای سنتی دینی [۱۸]، رواج انتخابگری فردی در حوزه دین و ترکیبی شدن اصول فکری و عقیدتی جوانان [۱۴]، دیگر تنها عامل اثرگذار بر واکنش افراد نسبت به مسائل مختلف اجتماعی، تصمیم‌گیری‌ها و نظرات سخنگویان نهاد دین نیست. بر این مبنای، کنش‌های انتخاب‌گرایانه افراد در حوزه سبک زندگی، علاوه بر الگوهای فرهنگی دین‌دارانه، از الگوهای فرهنگی دیگری نیز اثر می‌پذیرد. هم‌چنین رابطه ضعیف دین‌داری و سبک زندگی به صورت منفی است، بدین معنا که هرچه افراد دین‌دارتر باشند، کنش‌های روزمره آنان و نهایتاً شیوه و سبک زندگی‌شان سنتی‌تر است و افرادی که کم‌تر دین‌دار می‌باشند، سبک زندگی مدرن‌تری را اتخاذ کرده‌اند.

به بیان دیگر، بر خلاف رویکرد وبر که دین را نهاد اثرگذار اصلی نظام فرهنگی دانسته و کنش‌های افراد را، ناشی از ذهنیت متأثر از ارزش‌ها و هنجارهای مورد تأکید نهاد دین می‌دانست، در این تحقیق مشاهده شد که دین‌داری افراد، بسیار کم، کیفیت مواجهه ایشان با جهت‌گیری‌های سبک زندگی را تبیین می‌کند. تحقیقات پیشین در این حوزه به‌طور مشترک ظهور پدیده «بی‌شکلی دین‌ورزی» [۱۰]. را مورد تأکید قرار داده‌اند. این بی‌شکلی، از بروز و رسوخ باورها و ارزش‌های مدرن در دین و رشد نهادها و کارگزاران جدید دینی در کنار نهادهای سنتی دین حکایت می‌کند که مانع ترسیم هنجارهای نهادی شده عمومی، گردیده است. بر مبنای نتایج، بیش‌ترین تبیین‌کنندگی دین در حوزه هنجارهای مصرف ($r = 247$) می‌باشد که به نوبه خود رقم قابل توجهی نیست بنابراین، در کنار اقتدار الگوی

فرهنگی دینی، بررسی این مطلب که «امروزه الگو یا الگوهای فرهنگی دیگر در جامعه ایران کدامند؟» مسأله مهمی است که لازم است در آینده مورد بررسی و سنجش قرار گیرد.

از منظری دیگر می‌توان این نتیجه را بر مبنای ظهور انواع دین‌داری تبیین نمود، از نظر زیمل، پیدایش اشکال بسیار متنوع و فردی دین‌داری، از عرصه‌هایی است که بی‌شکلی دوران مدرن را بازتاب می‌دهد. عامل تعیین‌کننده در چرخش و روی آوردن به طرف عرفان، بیش از هر چیز دیگر رهایی از محدوده‌های روشن اشکال دینی است [۱۳، ص ۲۴۱]. تحلیل زیمل می‌تواند تبیین مناسبی از پویایی‌ها و دگرگون‌پذیری‌های سبک زندگی در دوره مدرن باشد. همچنین، این تحلیل می‌تواند تنوع دین‌داری را نیز تبیین کند. از این رو شایسته است که در مطالعات بعدی انواع و سبک‌های متفاوت دین‌داری مورد مطالعه قرار گیرد.

منابع

- [۱]. بوردیو، پیر (۱۳۸۰) نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردیپا، تهران، انتشارات نقش و نگار.
- [۲]. ----- (۱۳۹۰) تمایز، نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر ثالث.
- [۳]. چاوشیان، حسن (۱۳۸۱) سبک زندگی و هویت اجتماعی، پایان نامه دکترا، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- [۴]. ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۶) فرهنگ مطالعات جوانان، تهران، نشر آگه.
- [۵]. رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۷) تأملی در هویت زن ایرانی، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- [۶]. سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۸) «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن بر نظریه سکولار شدن»، نمایه پژوهش، شماره ۹ و ۱۰: صص ۱۱۸-۱۰۵.
- [۷]. ----- (۱۳۸۳) چالش‌های دین و مدرنیته، مباحثی جامعه‌شناختی در دین‌داری و سکولار شدن، تهران: طرح نو.
- [۸]. شمالچی، وحید (۱۳۹۰) طرح پژوهشی "بررسی تفاوت‌های منطقه‌ای، نسلی و جنسیتی سبک زندگی در میان شهروندان تهرانی" مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- [۹]. شایسته، گلناز؛ صاحبی، علی و همکاران (۱۳۸۵) «بررسی رابطه رضایت‌مندی زناشویی با باورهای ارتباطی و انتظارات غیر منطقی زوجین» فصلنامه خانواده‌پژوهی ۷(۲): ۲۲۳-۲۳۸.
- [۱۰]. غیاثوند، احمد (۱۳۸۰) بررسی فرایند جامعه‌پذیری دینی جوانان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- [۱۱]. فاضلی، محمد (۱۳۸۲) مصرف و سبک زندگی، چاپ اول، قم، انتشارات صبح صادق.
- [۱۲]. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
- [۱۳]. مهدوی‌کنی، محمدسعید (۱۳۸۷) دین و سبک زندگی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.
- [۱۴]. نیک‌پی، امیر (۱۳۸۰) «نگاهی به برخی تحولات دینی در ایران معاصر»، نامه انجمن جامعه‌شناسی، ویژه‌نامه دومین همایش مسایل اجتماعی ایران، شماره ۳: صص ۴۳-۶۱.

- [۱۵]. نیکزاد، مهرداد (۱۳۸۲)، الگوی مصرف پوشاک و هویت اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.
- [۱۶]. ----- (۱۳۸۲)، «تحلیل اجتماعی کنش‌های مصرفی»، نامه پژوهش فرهنگ.
- [۱۷]. وبر، ماکس (۱۳۸۵) اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری، عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۱۸]. طرح تحقیقاتی وزارت علوم و تحقیقات فناوری (۱۳۷۹) "دانشگاه، دین، سیاست، سنجش گرایش‌های فکری و فرهنگی دانشجویان".

